

مژده ادبی

همه کس از دور و نزدیک قصاید و غزلیات شیوای یگانه
شاعر شهیر و سخن سنج بی نظیر و استاد کامل ماهر آقای میرزا
حیدر علی متخلص به کمالی اصفهانی را شنیده و ذوق ارباب ادب
از حلاوت آن بهره مند گردیده است

اینک کدام مژده از این بهتر که دیوان شعر آقای کمالی
در اسلامبول با بهترین طرز و اسلوب بطبع رسیده و مقداری از آن
برای فروش حاضر است

طالبین ایالات و ولایات میتوانند توسط اداره ارمغان خریداری
و استفاضه نمایند

اشعار استاد بزرگوار آقای کمالی تمام در دست نیست و این
دیوان تازه مطبوع از اشعاری که دوستان و رفقای ایشان ضبط داشته
اند تألیف و ترکیب شده

من بعد هم قصاید و غزلیات دیگری از طبع سرشار حضرت استاد
تراوش کرده است که در این دیوان ضبط نیست و همواره در مجله
ارمغان طبع و نشر خواهد شد

« اینک يك چكامه درج میگردد و الحق قصیده سبکی است »

ای کشور عجم نه چنان گشته خراب

کجا بادی تو کس بستوان بیندی بخواب

گویند اهل فکر که اصلاح حال تو

شاید و لیک نیست طریقی جز انقلاب

من نیز بینی که از این خون بهیچ روی
 در عرق مردمان تو نتوان نمود یاب
 باشندگان کشور سیروس و داریوش
 افسرده اند و فاسد از شیخ تا بشاب
 اخلاق فاسد از همه سو بسکه موج زن
 چون تشنه است طالب اصلاح در سراب
 گیتی جدید گشته و ماهمچنان ز جهل
 در خواب غفلتیم و نگیریم از آن حساب
 ما از زمانه پند نگیریم اگر فرا
 خود را چو عوض تمامیم با شتاب
 این کاهلی بمرک کشد مان علی الیقین
 مرکی نگران گریز نباشد بهیچ باب
 تا خود چه اختیار نمائی برای خود
 من گنتم آن چه بود و نمودم ره صواب
 ترسم که سر ز خواب بر آریم آن زمان
 کز جانب دگر زده سر باشد آفتاب
 پنجاه بار گردش کردون بمن گذر
 کرد و زمن شنید گهی ناله که عتاب
 کاخر سیاه بختی ما کی سر آیدی
 مویم سپید کرد و ندادم یکی جواب
 بس آسمان دخیل نباشد بکار ما
 راحت اگر بویم بگیتی و کر عذاب

هر تخم گان بکشته همان نیز بد رویم
 بیرون هما نیاید از بیضه غراب
 حقتیم ما و راه بریدند دیگران
 وین طرفه تر که هیچ نداریم اضطراب
 با مفتخوار و جاهل و بیکاره آن کنند
 مردان کار گان بنمایند با دواب
 برخیز و مرد وار میان بند اگر حیات
 خواهی و با گذار دلیرانه در رکاب
 آن را که مهر و درد وطن نیست گو بهیر
 زان کش بمغز رای و خرد نیست روتاب
 اصلاح کن نخست تو خود را زعیب و بس
 اصلاح ملک خواه شوی تا که کامیاب
 کوتاه گن گمالی و لب از سخن به بند
 وز چهره حقایق چونین مکش تقاب
 کوران نشسته اند به بزم اندرو چه سود
 آید اگر که شاهد مقصود حجاب
 پیام فارس بطهران
 کیست که از مرز فارس - خبر بطهران برد
 پیام اطفال علم - پیر نادان برد

گوید شیراز را - چنین نبود انتظار

که ناگهان سیل جهل - علم زبندان برد